در «چاردیواری» بخوانید:
تجربه خرید در کنار کودکان لجباز

آغاز ماه ذی‌الحجه و سالروز ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فاطمه‌زهرا علیهاالسلام را تبریک می‌گوییم

گفت‌وگو با بردیا سعادت که از تیم ملی والیبال خط خورد
ناراحتم اما ناامید نیستم

جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

www.jamejamdaily.ir

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۰ | ۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۸۵ | تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Monday - July 12, 2021

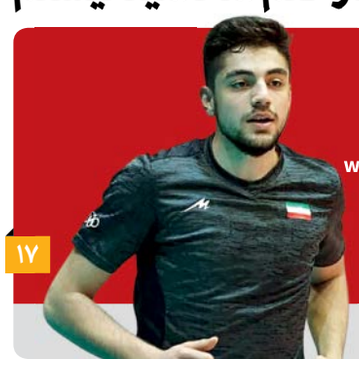

۱۷

نقدی بر اظهارات اخیر علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت اصلاحات درباره مسأله نفوذ

پروژه کوچک نمایی شبکه نفوذ

۲

جادوی یک قبض

انتشار قبض برق خانه علی کریمی واقعیت تلخ نظام ناعادلانه قیمت‌گذاری انرژی در ایران را ملموس‌تر کرد

۱۲

طرح: آرش فروغی | جام جم

واگذاری عجولانه ۶۴۰۰ معدن در روزهای پایانی دولت چه توجیهاتی دارد؟

رانت‌های زیرزمینی برای افراد خاص

کار در معدن یکی از پرخطرترین مشاغل دنیاست که جزو شغل‌های سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود اما فارغ از بحث کارگرانی که در معادن مشغول کار هستند افرادی با ارقام بالا در حال معامله معادن هستند. اخیرا گزارش‌هایی مبنی بر این‌که تعداد زیادی از معادن در پایان دولت دوازدهم در حال واگذاری است منتشر می‌شود که البته با تکذیب و توجیه مسؤولان وزارت صمت همراه بوده اما باز شدن پای مقامات قضایی و مجلس به این ماجرا، رویه را مشخص می‌کند...

۳

تیپ‌شناسی شخصیت‌های چادری در سینما و شبکه نمایش خانگی

تصویر ناقص سینما از حجاب برتر

۱۰-۱۱

گفت‌وگو با مجری و تهیه‌کننده برنامه جهان‌آرا که فصل تازه آن روی آنتن است

بی‌طرف نیستیم، طرفدار انقلابیم

۶

بررسی رفتار استکباری آمریکا در مواجهه با کشورهای منطقه به بهانه انتشار مکالمه پمپئو با نخست‌وزیر سابق عراق

دیپلماسی قلدری بدون روتوش

۸

درخواست مجریان تلویزیون برای خاموش کردن لامپ‌های اضافی باعث صرفه‌جویی برق به اندازه یک نیروگاه شد

ساخت نیروگاه در تلویزیون!

۲۰

یادداشت

آمریکا به چه چیزی فکر می‌کند؟

مصطفی فارویی
تحلیلگر مسائل منطقه

به نظر می‌رسد واشنگتن در حال بازبینی نگاه تاکتیکی خود در قبال جبهه مقاومت و نحوه مواجهه با آن است. در این معادله، «اعمال فشار اقتصادی» جایگاه ویژه‌ای دارد. خروج ۱۸۴ میلیارد دلار نقدینگی از بیروت، جز تورم ۱۲۰۰ درصدی در لبنان، نابودی سرمایه‌گذاری‌های خارجی خصوصا سرمایه‌های تاجران سوری و دولت بشار اسد را به دنبال داشت. به صورت رسمی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار و به صورت غیررسمی بیش از ۴۵ میلیارد دلار از سرمایه‌های دولت سوریه در این وضعیت اسفناک بعد از جنگ غیرقابل استفاده شده است.

بانک‌های لبنان، عروس خاورمیانه در دوران رفیق حریری برای تبدیل‌شدن به مرکز پولی غرب آسیا، سرمایه‌گذاری زیادی انجام دادند. آمریکا در آن زمان از این سرمایه‌گذاری‌ها استقبال کرد و با این‌که از پیش مشخص بود که مرکز پولی اصلی در منامه قرار دارد، بیروت را در فهرست کاندیداهای احتمالی ایجاد مرکزی جدید قرار داد. بسیاری از شرکت‌های خارجی به امید سوئیس‌شدن این بانک‌ها و فرار از انواع مالیات‌های داخلی و پولشویی، پول‌های خود را به این بانک‌ها سپردند. با خروج نقدینگی از این بانک‌ها دولت لبنان ورشکسته شده است. بانک‌ها در برابر درخواست سپرده‌گذاران تنها قسط‌بندی مطالبات، آن هم به نرخ رسمی را پیشنهاد می‌کنند. مسأله در سوریه و لبنان، نبود سوخت نیست؛ فقدان نقدینگی برای خرید آن است. آمریکا در راستای تسلط بر منطقه و معادلات قدرت، راهکارهای خطرناکی را طراحی کرده است. مثلا واشنگتن، ترک خاک سوریه توسط حزب ا... را به مثابه پیش‌شرطی برای مذاکره با روسیه بر سر حکومت بشار اسد دانسته است. واشنگتن به خیال خود قصد دارد معمای سوریه را نه بر مبنای اقتضائات منطقه و نه برمبنای منطق منافع ملی سوری‌ها، بلکه در چارچوب معادلات قدرت (در ذیل منافع خود) حل و فصل کند. جبهه مقاومت از سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون، نه‌تنها تاکتیک‌ها، بلکه استراتژی‌های آمریکا در منطقه را هدف قرار داد و در نهایت مانع از تحقق و پیشروی آنها شد. کاخ سفید درصدد است در این مسیر، فشار سیاسی- رسانه‌ای زیادی بر حزب‌ا... وارد کند تا بلکه مقاومت لبنان، عقبه استراتژیک خود را در سوریه از دست بدهد و در نتیجه به ایران نیز آسیب وارد شود.

حتی واشنگتن سعی دارد با ایجاد یک پازل گسترده‌تر و بزرگ‌تر، وضعیت افغانستان، عراق و مذاکرات هسته‌ای با ایران را نیز به‌مثابه اجزای یک ساختار واحد (در راستای تحقق یک استراتژی واحد) مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. نباید فراموش کرد که ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، تصمیم جدی برای توسعه قدرت و چندبعدی‌کردن آن در سراسر جهان گرفته است، اما بسیاری از طرح‌ها و نقشه‌های شوم آن با رصد هوشمندانه و اقدام بهنگام جبهه مقاومت همراه شده است. بدون شک در این دوران پیچیده، جبهه مقاومت با قدرت و دقت بیشتری نقشه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه و جهان را رصد خواهد کرد تا در قبال هر یک از طرح‌ها، اهداف، راهبردها و تاکتیک‌های طرف آمریکایی واکنش مناسبی صورت دهد.

دیدگاه

طالبان؛ از هویت رسانه‌ای تا ماهیت سیاسی

محمدمهدی رحمتی
فعال رسانه‌ای

پس از حمله آمریکا به افغانستان برای انتقام‌گیری شتاب‌زده از القاعده و طالبان، بابت جبران حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حکومت طالبان سقوط کرد. در آن زمان کمتر کسی تصور می‌کرد که طالب دیگربار در آینده سیاسی افغانستان نقشی داشته باشد. از طرفی جریان‌های فکری غربگرا در افغانستان و منطقه امیدوار بودند که حضور آمریکا، این کشور را به الگوی تحول و پیشرفت در منطقه بدل می‌کند. استقرار نیروهای بین‌المللی نیز از سوی این جریان به فال نیک گرفته می‌شد و بر همین اساس آینده‌ای روشن از کشوری با تنوع فرهنگی را به تصویر می‌کشیدند. علی‌رغم پیش‌بینی‌های جریان غربگرا، تصورات آنها به پنج دلیل در دو دهه گذشته محقق نشد:

نخست آن‌که با وجود نسخه قهری آمریکا و حذف ظاهری یکی از قوی‌ترین منازعه‌کنندگان قدرت در افغانستان، اختلاف میان سایر گروه‌ها به‌ویژه اختلاف‌های قومیتی میان پشتون‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها و... برقرار بود و همچنین سال‌ها درگیری با طالب که اسلام متعصب اهل سنت را نمایندگی می‌کرد شکاف مذهبی گسترده‌ای را در میان مردم این سرزمین به‌وجود آورده بود. این شکاف در همه مراحل شکل‌گیری دولت - ملت افغانستان آسیبی جدی به‌شمار می‌آمد که گریبان جامعه را گرفته و مانع ایجاد دموکراسی، به‌ویژه براساس معنای غربی آن بود.

دوم الگوی وارداتی حکومت در افغانستان بود که به‌رغم تجارب ناموفق قبلی آمریکا و متحدانش در سایرنقاط دنیا، مصرانه به‌دنبال اجرای آن در افغانستان بودند؛ بدون این‌که به ظرفیت سیاسی و فرهنگی این کشور توجهی داشته باشند.

سوم سهم‌خواهی برخی کشورهای همسایه افغانستان به‌ویژه متحدان منطقه‌ای آمریکا بود که حق خود میدانستند سرمایه هنگفت هزینه‌شده بر روی طالبان -که با همراهی غیرمستقیم و چراغ سبز آمریکایی‌ها انجام شده بود- جبران شده و بر این اساس سهم خویش را از دولت افغانستان طلب می‌کردند.

چهارم ترجیح منافع شخصی و قبیله‌ای نخبگان افغان بر مصالح سیاسی و فرهنگی کشورشان بود که زمینه فساد در حوزه‌های مختلف را موجب می‌شد و هزینه‌های گزافی بر کشور تحمیل می‌کرد، به‌گونه‌ای که در عمل توان سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی چندانی برای توسعه افغانستان باقی نمیگذاشت.

پنجم سهم‌خواهی دول متخاصم به‌ویژه آمریکا بود که انتظار داشت هزینه‌های متحمل‌شده ناشی از حذف طالبان و القاعده به‌عنوان یک تهدید جهانی را از افغانستان بستاند و در صورت امکان، سود اقتصادی ناشی از این لشکرکشی را برای توجیه اقدامات جنگ‌طلبانه بعدی خود به کار گیرد.

موارد فوق‌الذکر و تهدیدات سال‌های اخیر مانند حضور داعش در افغانستان باعث شد تا اقبال عمومی به طالب طی ۱۰ سال گذشته دوباره نضج گیرد و به‌تدریج گستره حاکمیت این گروه بر افغانستان گسترده‌تر شود تا جایی‌که امروز دولت افغانستان سرزمین‌های بسیاری را از دست داده است.

با توجه به خاستگاه و اندیشه طالبان، رابطه اندکی میان دستگاه‌های متولی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و این گروه در نیمه نخست دهه ۷۰ شمسی وجود داشت. واقعه تلخ مزارشریف و شهادت دیپلمات‌های ایرانی (فارغ از این‌که طالبان چه اندازه در این حادثه تروریستی نقش داشتند) فاصله‌ها را بیشتر کرد. در این میان تصویر رسانه‌ای که طالبان برای خود طراحی کرده بود، به‌طور واضح یک جریان تندروی مذهبی را نمایندگی می‌کرد. استقرار شریعت به‌ویژه در روابط اجتماعی و ارائه الگوی افراطی پوشش برای زنان و مردان و مجازات در ملأ عام از جمله ویژگی‌های این بازنمایی رسانه‌ای بود. طالب در پررنگ‌کردن این تصویر به‌قدری اصرار داشت که انفجار مجسمه بودا را به‌عنوان یکی از سمبل‌های شرک می‌توان در همین راستا توجیه کرد.

در تحولات یک دهه گذشته به‌دلیل گسسته‌شدن پیوندهای میان طالبان و حامیان منطقه‌ای و به‌طور مشخص کاهش وابستگی به اطلاعات نظامی پاکستان و القاعده در این کشور و نیز ناامیدی از حمایت‌های عربستان سعودی در دوران سخت، طالبان برخی رویه‌های خود را تغییر داد: نخست آن‌که خروج نیروهای متخاصم به‌ویژه آمریکایی‌ها را اولویت مبارزه خود قرار دادند. دوم، گروه‌هایی مانند داعش را جریان‌های انحرافی شناخته و به طور جدی با آنها مبارزه کردند و مانع گسترش داعش در افغانستان شدند که در برنامه آمریکا و برخی متحدانش قرار داشت. سوم، اگرچه منابع محدودی در اختیار داشتند اما در مناطق تحت حاکمیت خود با فساد اداری و اقتصادی مواجه نبودند و انگیزه‌های مذهبی مانع از چنین سوءاستفاده‌هایی می‌شد و چهارم آن‌که برخلاف دوره قبل اگر مناطقی را با گرایش‌های مذهبی دیگر تحت تسلط خود درآوردند، درپی غیریت‌سازی و پاکسازی مذهبی نبودند. اصلی‌ترین دلیل این تغییر رویه را می‌توان گفت‌وگوی بهنگام با طالبان به‌عنوان عضو موثر ساخت سیاسی افغانستان دانست که اغلب سیاستگذاران کشور با وجود اختلاف در چگونگی انجام آن با اصل مساله موافقت داشته‌اند. اما سوال اینجاست که آیا به طالبان به‌عنوان بخشی از حاکمیت افغانستان می‌توان اعتماد کرد؟ تردیدی نیست که ادبیات حکومت طالبان تطبیق چندانی با دموکراسی‌های غربی و آنچه امروز در افغانستان به‌صورت ناقص و پرچالش انجام می‌شود ندارد؛ لیکن چه تضمینی برای حکمرانی خوب در آینده افغانستان وجود دارد. آنچه امروز و در توضیح آینده از سوی طالب با آن مواجهیم سکوت رسانه‌ای خود این گروه و رسانه‌هایی است که دسترسی دیپلماتیک به آنها دارند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه افغانستان ناگزیر است که واقعیت میدان در این کشور را بشناسد و براساس آن دیپلماسی خود را پایه‌ریزی کند. در شرایط امروز که امکان گفت‌وگوی بیشتری با طالب فراهم شده، می‌بایست تمهیداتی اندیشیده شود که چهره رسانه‌ای طالبان متناسب با واقعیت و آنچه مورد انتظار است بازنمایی شود و از سوی نمایندگان یا سخنگویان آنها مورد تأیید قرار گیرد. از منظر یک همسایه و با توجه به اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی، ضرورت دارد که طالب به شرح تعاملات و برنامه‌های حاکمیتی خود در حوزه‌های مختلف مذهب، فرهنگ، هنر و... بپردازد و این موضوعات در رسانه‌های جبهه مقاومت بازتاب داشته باشد. از سوی دیگر می‌بایست فرصت گفت‌وگوی رسانه‌های داخلی افغانستان که در گروه همکاران اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی قرار می‌گیرند با طالبان فراهم شود تا مورد مطالبه درست و پاسخگویی شفاف قرار گیرند. موضعگیری رسانه‌ای طالبان معیار خوبی برای قضاوت در مورد آینده حکمرانی آنها و میزان و چگونگی تعامل کشور ما با آنها است. تجربه نشان داده که گروه‌های سیاسی که تلاش می‌کنند چهره رسانه‌ای مشخصی از خود به نمایش نگذارند، در معاملات سیاست بین‌المللی زودتر دچار تغییر جهت سیاسی خواهند شد. هویت رسانه‌ای می‌تواند مانع از کنش‌ها و واکنش‌های تند و منفعلانه سیاسی شود و حریم‌ها و چارچوب‌های سیاسی گروهی که به‌دنبال تشکیل حکومت یا مشارکت جدی در آن است را روشن سازد و میزان اعتمادی که می‌توان نثار آن کرد را نیز مشخص کند. تلاش برای هویت‌دهی رسانه‌ای به طالبان، اختلافات سیاسی در نحوه تعامل با این گروه در داخل کشور را به حداقل می‌رساند.

قابل توجه خریداران املاک

آگهی فروش املاک بصورت مزایده
با شرایط ویژه و بدون کارمزد (شماره ۱۰۴)

سازمان اموال و املاک ستاد در نظر دارد تعدادی از املاک تجاری و مسکونی و ... خود را در تهران و سایر استانها از طریق مزایده کتبی و بصورت اقساطی و با تسهیلات ویژه به فروش برساند .
متقاضیان محترم می توانند **از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ الی روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۵** جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص املاک تهران با شماره تلفن های (دفتر فروش) ۷۳ الی ۰۲۱-۸۸۵۴۵۵۷۰
و در خصوص املاک استانها با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۷۲۸۲۶۱ تماس حاصل فرمایند .
ضمناً اطلاعات تکمیلی و لیست املاک در وب سایت www.saa-s.ir و در روزنامه های بشرح ذیل قابل دسترسی می باشد .

روزنامه جام جم (کلیه املاک) چهارشنبه مورخ : ۱۴۰۰/۰۴/۲۳
روزنامه همشهری (تهران ، البرز ، لواسانات و دماوند) شنبه مورخ : ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

جهت تهیه فرم ثبت نام و شرکت در مزایده املاک واقع در تهران ، به نشانی خیابان شهید دکتر بهشتی ، حدفاصل خیابان کاووسی فر و میدان تختی ، پلاک ۲۲۴ مراجعه فرمایید.

سازمان اموال و املاک ستاد